



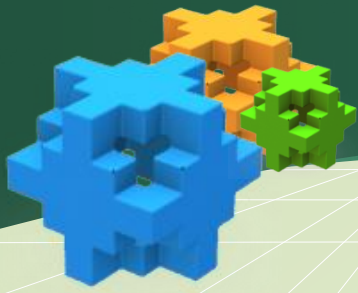
۱۶ جوزا ۱۳۸۱

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان  
دفتر ساحوی کابل  
بخش آموزش حقوق بشر

# محاكمه عادلانه در پرتو حقوق داخلی و اسناد بین المللی حقوق بشر

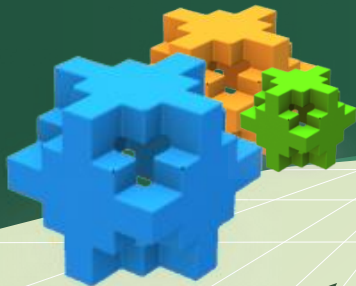
تهیه و ترتیب: خالد ایثار معاون بخش آموزش حقوق بشر دفتر ساحوی کابل

# فهرست عناوین



- تعریف محاکمه عادلانه
- معیارها و تضمین‌های نهادی
- اصول حاکم بر محاکمه عادلانه
- حقوق مظنونان و متهمان

## گفتار اول: مفهوم محاکمه عادلانه



اصطلاح «محاکمه عادلانه» که معادل «Fair Trial» به کار برده می‌شود، ترکیبی است که برای درک دقیق مفهوم آن، به شناخت معنای هر یک از واژه‌های «محاکمه» و «عادلانه» نیاز است.

### بند یک- «محاکمه» و «دادرسی»

کلمه «محاکمه» از ریشه «حکم» یعنی قضاوت و فصل خصومت است، به معنای خواندن یکی دیگری را به نزد حاکم و قاضی و یا تخاصم طرفین در نزد قاضی می‌آید. پس واژه «محاکمه» مفهوم عدالت را در خود ندارد، و از اینرو امر شده است که به عدل حکم کنید.

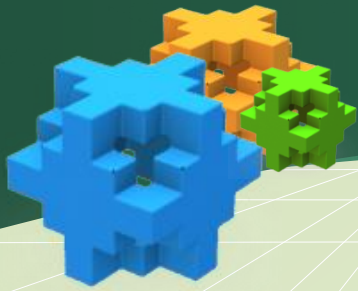
واژه فارسی «دادرسی» مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. پس دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است.

## بند دو- مفهوم «عادلانه»

عادلانه یا منصفانه معادل واژهٔ "Fair" به کار برده می‌شود، که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» آمده است و نیز به معنای «معقول و متناسب با شرایط» است.

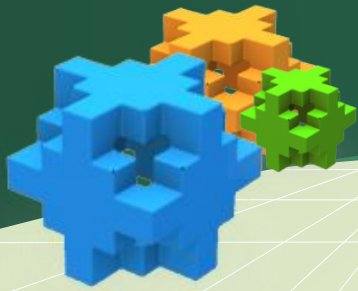
در ادبیات قضایی، این واژه به معنای داشتن وصف بی‌طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه، غیرجانبدارانه و برابری میان طرفین منازعه، به کار برده می‌شود.

## گفتار دوم: تعریف محاکمه عادلانه



محاکمه عادلانه عبارت است از رسیدگی و تصمیم‌گیری قضائی دربارهٔ موضوعات مدنی و جزایی میان طرفین دعوا در محکمهٔ صلاحیتدار، مستقل، بی‌طرف، با تضمین و رعایت حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف محاکمه.

به عبارت دیگر محاکمهٔ عادلانه و منصفانه عبارت است از اینکه، دعوای مطروحه میان طرفین دعوا در یک محکمه صالح و مستقل و بی‌طرف، که مطابق با قانون تشکیل گردیده و در یک فضای آرام و شرایطی برابر توسط قضات متخصص و دانا به صورت علنی و با رعایت کلیه تضمینهای شکلی و ماهوی مربوط به حقوق اصحاب دعوا مورد رسیدگی قرار گیرد.



**گفتار اول: قانونی بودن و صالح بودن محکمه**

در تمامی دعاوی و شکایات آنچه که برخورداری از حق محاکمه عادلانه را تضمین می‌کند این است که دعوا از سوی محکمه‌ای صالح، مستقل و بی‌طرف و ایجاد شده از سوی قانون مورد رسیدگی قرار گیرد.

دلیل لزوم وجود ویژگیهای فوق برای محکمه این است که هرگاه دعوا از سوی یک نهاد سیاسی یا ارگان اداری مورد رسیدگی قرار گیرد، احتمال خودسرانه بودن و یا غرض ورزی در تصمیم‌گیری‌ها وجود خواهد داشت

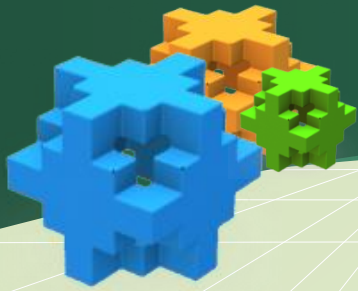
# بند یک- قانونی بودن و صالح بودن محکمه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای



**بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** در این باره مقرر می‌دارد: «همه در مقابل دادگاهها و ... متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.»

بندهای نخست مواد ۶ و ۸ به ترتیب در **کنوانسیونهای اروپایی حقوق بشر و امریکایی حقوق بشر** در این باره صراحت دارند.

## بند دو- قانونی بودن و صالح بودن محکمه در قوانین افغانستان



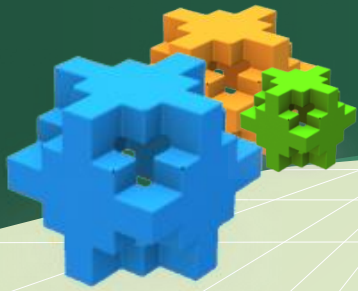
**ماده ۱۱۶ قانون اساسی** مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می‌گردد.»

**ماده ۱۲۰ قانون اساسی** در این باره می‌گوید: «صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی‌علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.»

**ماده ۴ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم** در این مورد مقرر می‌دارد: «هیچ قانون نمی‌تواند در هیچ حالت قضیه یا ساحه را از دایره صلاحیت قوه قضائیه خارج ساخته و به مرجع دیگری تفویض نماید.»



## گفتار دوم: استقلال و بی طرفی محکمه



**استقلال** به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی یا اجرایی است. « هر گاه مراجع و قدرتهایی در پی آن باشند تا با نفوذ و تأثیرگزاری بر محکمه یا قضات رأی و تصمیم آنها را متأثر سازند، و محکمه یا قضات فاقد ابزار و تضمینهای لازم برای مصون ماندن از چنان تأثیری باشند، فاقد استقلال خواهند بود.

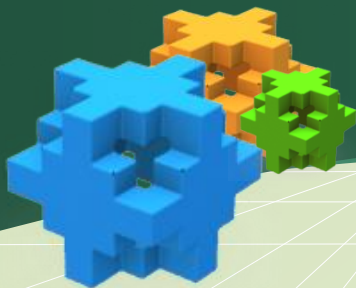
**بی طرفی** معمولاً اشاره دارد به عدم پیش داوری یا جانبداری، خواه نسبت به یک عقیده و رویکرد باشد، خواه نسبت به فرد، گروه، حزب یا قوم خاص. بی طرفی محکمه به معنای عدم جانبداری نهادینه شده، از یک اندیشه، تفکر یا مکتب خاص در ارگان قضایی است.

# بند یک - استقلال و بی طرفی محکمه در اسناد بین المللی



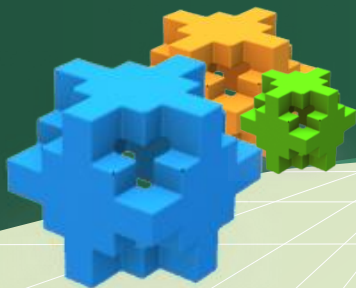
**بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی** در این باره مقرر می دارد: «همه در مقابل دادگاهها و ... متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.»

## بند دو- استقلال و بی طرفی محکمه در قوانین افغانستان



**ماده ۱۱۶ قانون اساسی** در این باره تصریح می کند: «**قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.**» همچنین مواد ۱۲۲، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۵۳ و ۱۵۵ قانون اساسی نیز در این مورد صراحت دارند.

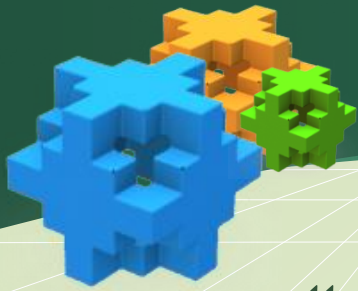
**ماده ۲ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم** در این مورد می گوید: «**قوه قضائیه رکن مستقل دولت بوده و مرکب از ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه می باشد.**»



گفتار اول: اصل حمایت برابر قانون از افراد (منع تبعیض)

حمایت برابر قانون از افراد به این معناست که محتوای قانون باید نسبت به تمام افرادی که در وضعیت برابر قرار دارند یکسان باشد. به عبارت دیگر، قانون باید با افراد به طور برابر برخورد نماید، قانون نباید نسبت به افراد بصورت تبعیض آمیز رفتار نماید. منظور از اصطلاح **برابری در قانون (در قانون گذاری)** [حمایت برابر افراد از سوی قانون] **برابری ماهوی است** که مربوط به مفاد قانون است. در صورتی که برابر در مقابل قانون مربوط به **اعمال قانون** است که برابری شکلی را تداعی می کند.

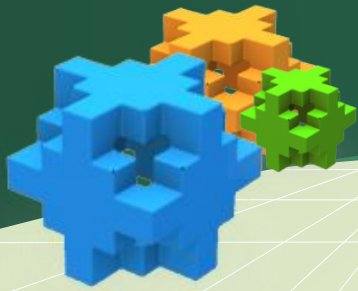
## بخش سوم: اصول حاکم بر محاکمه عادلانه



بند یک- اصل حمایت برابر قانون از افراد (منع تبعیض) در اسناد بین‌المللی

**ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر** در مورد مقرر می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابر اند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یک‌دیگر با روح برادری رفتار کنند.» همچنان ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این باره ذکر است: «همه در برابر قانون مساوی هستند، و حق...»

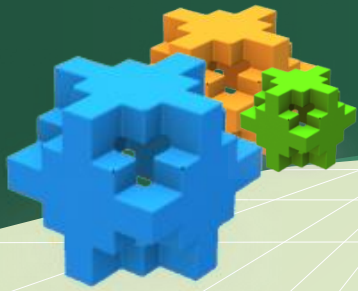
**بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** در این رابطه می‌گوید: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را دربارهٔ کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت شان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، زنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیدهٔ سیاسی یا عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند.»



بند دو: اصل حمایت برابر قانون از افراد (منع تبعیض) در قوانین افغانستان

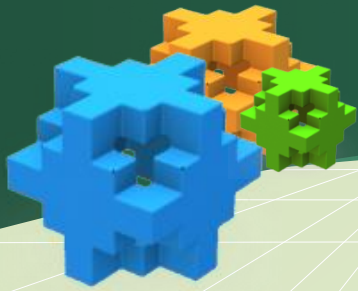
**ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان** در این باره می گوید: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.»

**ماده ۱۴ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم** در این مورد مقرر می دارد: «رسیدگی و اصدار حکم توسط محاکم براساس اصل تساوی طرفین در برابر قانون و محکمه و رعایت عدالت و بی طرفی صورت می گیرد.»



### گفتار دوم: اصل قانونیت جرایم و جزاها

معنای اصل نامبرده این است که هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه پیش از آن در قانون، به صورت صریح و واضح جرم شناخته شده باشد و هرگاه جرم ثابت شود قاضی حق ندارد مجازاتی را در قبال عمل مجرمانه برای محکوم علیه در نظر بگیرد که در قانون وجود ندارد بلکه صرفاً می تواند فرد محکوم علیه را به مجازاتی محکوم کند که در قانون برای آن عمل پیش بینی شده است.

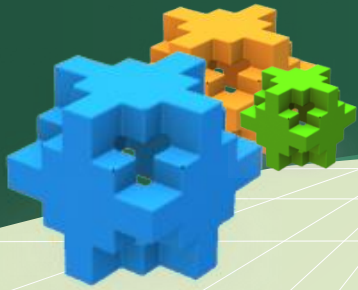


## بند یک- اصل قانونی بودن جرایم و جزاها در اسناد بین‌المللی

**بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر** در این مورد می‌گوید: «۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد.»

**بند ۱ ماده ۵۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** در این باره مقرر می‌دارد: «هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود و همچنین مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد.»

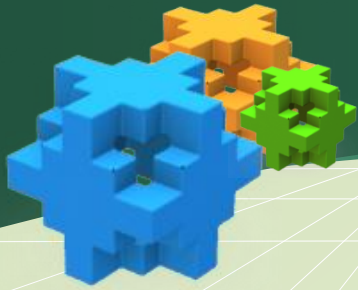




بند سه: اصل قانونی بودن جرایم و جزاها در قوانین افغانستان

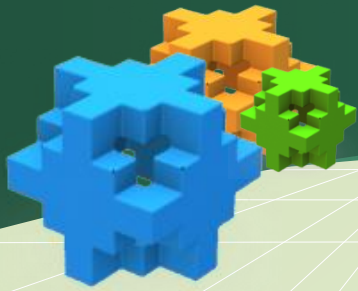
**ماده ۲۹ قانون اساسی** در این باره می گوید: «هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.»

**ماده دوم قانون جزا** در این باره می گوید: «هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به موجب قانون». ماده سوم در مورد مجازاتها مقرر می دارد: «هیچ کس را نمی توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده باشد.»



## اصل برائت یا فرض بی گناهی

اصل برائت یا فرض بی گناهی به این معنی است که: «همه انسانها تا مادامی که مجرمیت آنان در جریان رسیدگی عادلانه و منصفانه در محکمه‌ی که مطابق با قانون تشکیل گردیده، به طور قطع و یقین اثبات و احراز نگردیده، بی گناه محسوب می‌شوند و نتیجتاً از هر گونه تعرض مصون هستند.»

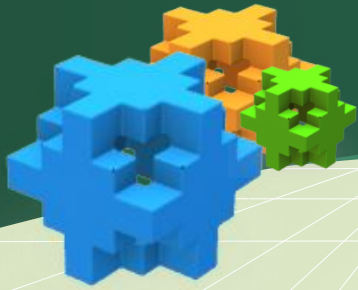


## بند یک- اصل برائت در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

**بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر** در این مورد می‌گوید: «هر کس که به جرمی متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده تقصیر او قانوناً محرز گردد.»

**بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** در این رابطه می‌گوید: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود، تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود.»

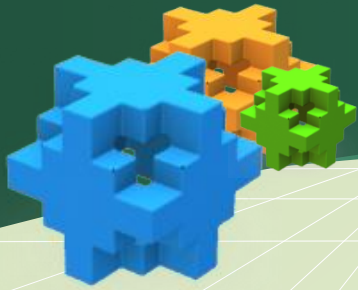
ماده ۶۶ اساسنامه دیوان جزایی بین‌المللی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۸)، منشور افریقایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۷) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بند ۵ ماده ۱۹) در مورد اصل برائت صراحت دارد.



## بند دو- اصل برائت در قوانین افغانستان

**ماده ۲۵ قانون اساسی افغانستان** در مورد اصل برائت چنین صراحت دارد: «برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.»

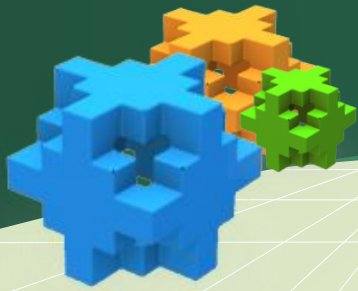
**ماده ۴ قانون جزاء افغانستان** در مورد چنین صراحت دارد: «برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگرفته باشد، بی گناه شناخته می شود.»



### گفتار اول: حق تفهیم اتهام و دلایل آن

**تفهیم اتهام** عبارت است از اعلام رسمی رفتار یا رفتارهای مجرمانه به متهم، از سوی بازپرس، مقام قضایی و یا ضابط دادگستری (سارنوالی) به زبان و شیوه‌یی که با توجه به وضعیت خاص هر متهم، برای او قابل درک و فهم باشد.

به همین گونه گفته شده است که: «تفهیم موضوع و دلایل اتهام به معنای این است که متهم هم از ماهیت افعال مجرمانه خود و اوضاع و احوال زمان ارتکاب و هم از شواهد و دلایل علیه خود اطلاع حاصل کند.



## بند یک - حق تفهیم اتهام در اسناد بین المللی

**در جزء (الف) بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر است که:**

«۳) در تصمیم گیری راجع به هر اتهام جزایی هر فردی حق دارد که از حداقل

تضمین های زیر برخوردار باشد:

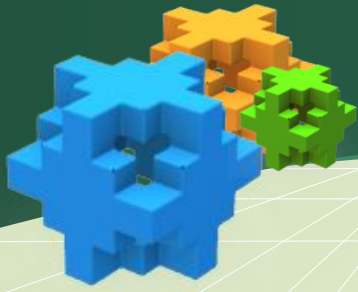
(الف) فوراً به تفصیل و به زبانی که می فهمد، از ماهیت و علت اتهام مطروحه علیه

خود مطلع شود.»

**بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «هر کس که**

دستگیر می شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات آن مطلع شود و در اسرع وقت

اخطاریه یی دایر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می شود، دریافت دارد.»



## بند دو- حق تفهیم اتهام در قوانین افغانستان

**ماده ۳۱ قانون اساسی** در زمینه می گوید: «متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.»

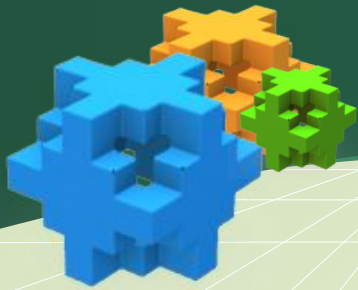
**ماده ۷ قانون اجراءات جزایی افغانستان** ضمن پذیرش تفهیم اتهام به عنوان یک حق برای مظنون و متهم، از لزوم «توضیحات در مورد اتهام وارده و اجراءات قضیه» نیز یاد کرده است و این عبارت بطور ضمنی اشاره به لزوم تفهیم دلایل اتهام از سوی پولیس، سارنوال و قاضی به متهم، می باشد.

# بخش سوم: حقوق مظنونین و متهمین

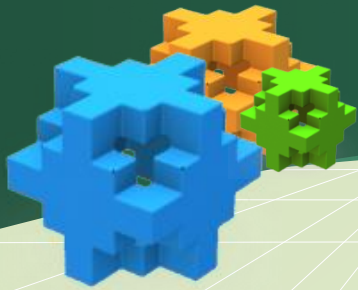
## گفتار دوم: حق سکوت

### بند یک- مفهوم حق سکوت

یکی از حقوق اساسی متهم در هنگام حضور در مرحله تحقیقات، حق سکوت است. حق سکوت به این مفهوم است که متهم حق دارد تا در برابر سوالات ارائه شده از طرف مراجع عدلی و قضایی از دادن پاسخ امتناع ورزد. در این گونه موارد مراجع عدلی و قضایی (پولیس، سارنوالی و محکمه) حق ندارند تا متهم را مجبور به ارائه پاسخ نمایند. آنها وظیفه دارند تا در صورت امتناع یا عدم ارائه پاسخ از طرف متهم، موضوع را ثبت محضر مرتبه نمایند. در این صورت مراجع عدلی و قضایی مکلفیت دارند تا برای اثبات اتهام وارده به سراغ ادله دیگر بروند.





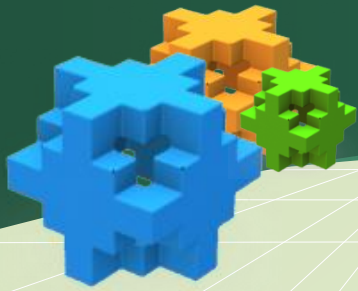


بند دو- به رسمیت شناختن حق سکوت در اسناد بین‌المللی

**بند اول ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر** در این باره می‌گوید: «هر کسی که به ارتکاب جرم متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد. تا وقتی که یک دعوای عمومی در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد؛ تقصیر او قانوناً محرز گردد.»

**ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** در مورد تصریح مقرر می‌دارد: «۳) هر شخص حق دارد در جریان تثبیت هر نوع اتهام علیه وی از تضمینهای حداقل ذیل با تساوی کامل برخوردار گردد:

(ز) مجبور ساخته نشود که بر علیه خویش شهادت بدهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.»



### بند سه - تسجیل حق سکوت در قوانین افغانستان

**قانون اساسی** هر چند صریحاً از حق سکوت یاد نکرده است، اما از مفهوم ماده ۳۰ که می گوید: «اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیلهٔ اکراه به دست آورده شده باشد، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمهٔ با صلاحیت.» می توان حق سکوت را نیز استنباط نمود.

**قانون اجراءات جزایی**، اما، حق سکوت را صریحاً به رسمیت شناخته است. ماده ۷ این قانون آنگاه که حقوق مظنون و متهم را بر می شمارد، در بند (ز) «استفاده از حق سکوت و امتناع از هرگونه اظهارات» را به عنوان یکی از حقوق یادآور می شود.



گفتار سوم: حق مصونیت از گرفتاری و توقیف خودسرانه

**بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ شخص خودسرانه دستگیر یا توقیف نمی‌شود. آزادی هیچ شخص سلب نمی‌شود مگر بر اساس دلایل و طبق اجرائی که در قانون پیش‌بینی شده است.» هدف اصل مذکور، تضمین این امر است که آزادی افراد به روش خودسرانه قابل سلب نیست. از سوی دیگر منظور از حق امنیت، حق برخورداری هر فرد از حمایت قانونی در اجرای حق آزادی خویش است.



بند یک- حق مصونیت از گرفتاری و توقیف خودسرانه در اسناد بین‌المللی

**بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** مقرر می‌دارد: «هر کس حق

آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ شخص خودسرانه دستگیر یا توقیف نمی‌شود.

آزادی هیچ شخص سلب نمی‌شود مگر بر اساس دلایل و طبق اجرائاتی که در قانون پیش‌بینی شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۹)

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۵)

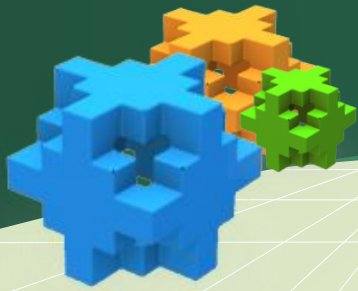
کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (ماده ۷)

منشور آفریقایی حقوق بشر (ماده ۶)

بند دو- حق مصونیت از گرفتاری و توقیف خودسرانه در قوانین افغانستان

**ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان** در این مورد مقرر می‌دارد: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق حدودی ندارد تا زمانی که حقوق دیگران و مصالح عامه را که توسط قانون تنظیم می‌گردد، متأثر نسازد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.» مواد ۲۷ و ۳۱ قانون اساسی نیز در این مورد صراحت دارند.

**ماده ۹۹ قانون اجراءات جزایی ۱۳۹۳** حکم می‌کند که توقیف باید قانونی بوده باشد (بند ۱) و مقامات توقیف‌خانه نمی‌توانند هیچ فردی را به توقیف‌خانه بپذیرند مگر بنا به امر یا قرار مقامات صلاحیتدار قانونی (بند ۲).

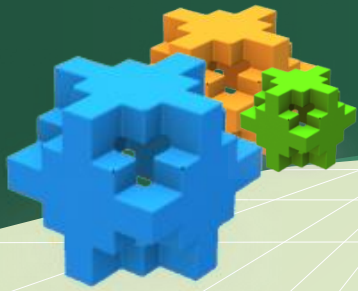


### گفتار چهارم: حق مصونیت از شکنجه و آزار

قاعده ممنوعیت شکنجه در نظام حقوق بین الملل قاعده‌ای است مطلق و در هر زمان و مکان و در هر شرایطی اطلاق دارد و شرایطی نظیر تهدید امنیت داخلی، تهاجم خارجی، تروریسم و یا مصلحت نظام به هیچ وجه اعمال شکنجه و یا رفتارهای خشن و موهن را توجیه نمی‌کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت برای تحقق شکنجه لازم است آزار و اذیت جسمی یا روحی توسط عوامل حکومتی یا اشخاص رسمی در حین خدمت و یا به مناسبت شغل دولتی یا منصب رسمی انجام گردد. علاوه بر این، آزار و اذیت عمدی بوده و عنوان مجازات نداشته باشد.

## بخش سوم: حقوق مظنونین و متهمین



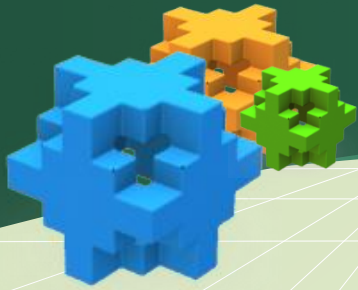
بند یک - ممنوعیت شکنجه در اسناد بین‌المللی

**ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر** مصوب ۱۹۴۸ در این مورد چنین مقرر می‌دارد:  
«احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت یا موهن باشد».

**میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** مصوب ۱۹۶۶ که در ماده ۷ خود اعلام داشته است: «هیچ کس را نمی‌توان مورد شکنجه و آزار و اذیت یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا موهن قرار داد».

کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازاتها ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده مصوب ۱۹۸۴.

قراردادهای چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ سازمان ملل متحد.



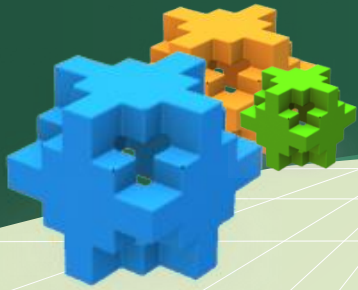
## بند دو- ممنوعیت شکنجه در قوانین افغانستان

**ماده ۲۴ قانون اساسی** تصریح شده است: «کرامت انسانی از تعرض مصون است» و دولت بر «حمایت از آزادی و کرامت انسان» مکلف شده است. و در ماده ۲۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «تعذیت انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف یا محکوم به جزا باشد، به تعذیت او اقدام کند یا امر بدهد».

شکنجه در **قانون جزا جرم** دانسته شده و مرتکب یا آمر آن به حبس طویل محکوم شده است و اگر متهم بر اثر شکنجه به قتل برسد، مرتکب به جزای قتل عمد محکوم می‌گردد.

**در ماده ۷ قانون اجراءات جزایی** نیز در باره ممنوعیت شکنجه صراحت دارد.





### گفتار پنجم - حق دفاع و داشتن وکیل مدافع

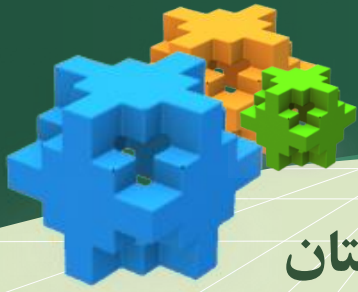
حق انتخاب یا داشتن وکیل مدافع به این مفهوم است که هر شخصی که تحت اتهام قرار داده می‌شود و یا این که به خاطر ارتکاب جرم تحت بازداشت قرار می‌گیرد، باید حق داشته باشد تا برای خود وکیل مدافع انتخاب نماید. در صورتی که شخص قدرت و توان مالی تعیین وکیل مدافع را نداشته باشد، دولت مکلف است تا برای وی وکیل مدافع تعیین نماید تا به شکل رایگان از وی دفاع کند که این گونه وکیل مدافع را بنام مساعد حقوقی یاد می‌نمایند.



## بند یک- حق دفاع و داشتن وکیل مدافع در اسناد بین المللی

جزء (د) بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در این رابطه می گوید:

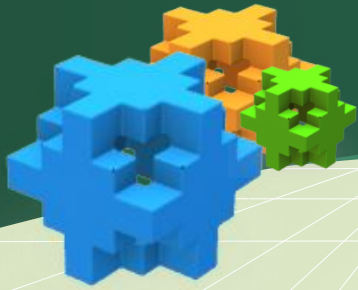
«در حضور داشت خودش محاکمه شود و شخصاً یا به وسیله کمک حقوقی وکیل منتخب خویش از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود. و در مواردی که مصالح محکمه اقتضا نماید از طرف محکمه رأساً برای او وکیل تعیین شود و هرگاه در این صورت متهم از پرداخت حق و لو کاله عاجز باشد مصارف آن به دوش محکمه می باشد.»



## بند دو- حق دفاع و داشتن وکیل مدافع در قوانین افغانستان

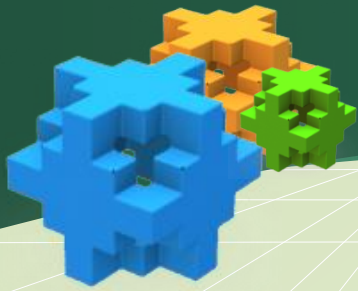
**ماده ۳۱ قانون اساسی** در این رابطه می گوید: «هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند... دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید...»

**ماده ۱۵۲ قانون اجراءات جزایی** در این مورد می گوید: «سارنوال قبل از آغاز تحقیق از متهم می خواهد وکیل مدافع با خود داشته باشد. هرگاه متهم از گرفتن وکیل مدافع امتناع ورزد، موضوع در محضر درج و امضای وی اخذ می گردد...»



### گفتار ششم - حق داشتن مترجم

یکی از حقوق بدیهی هر شخصی این است که اگر به زبانی غیرقابل فهم مورد بازجویی قرار گیرد از کمک مترجمی حاذق و صالح برخوردار شود، زیرا این برای رعایت شروط انصاف ضروری است. البته حق بهره‌مندی از مترجمهای مناسب اختصاص به مرحله مقدماتی ندارد، بلکه در همه مراحل محاکمه لازم است و تأمین آن وظیفهٔ همیشگی ارگان قضائی است.

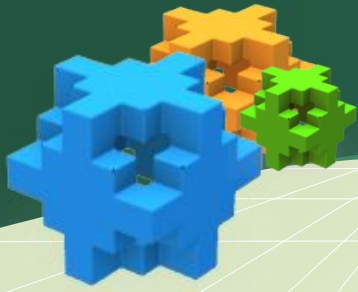


## بند یک- حق داشتن مترجم در اسناد بین‌المللی

**ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی** در این باره می‌گوید: «(۳) هر شخص حق دارد جریان تثبیت هر نوع اتهام علیه وی از تضمینهای حداقلی ذیل با تساوی کامل برخوردار گردد:

(۱) از ماهیت و علت اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد مطلع شود.

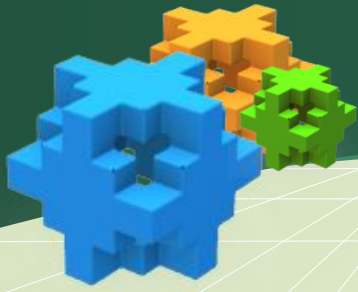
(۲) اگر زبانی را که در محکمه تکلم می‌شود نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم نماید یک مترجم مجاناً به او کمک کند.



## بند دو- حق داشتن مترجم در قوانین افغانستان

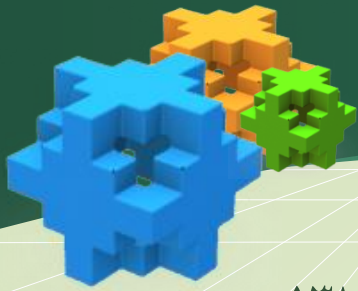
**ماده ۳۱ قانون اساسی** در این باره می گوید: «متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.

**ماده ۱۳۵ قانون اساسی** در این باره می گوید: «اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین می گردد.



**حق داشتن مترجم در قانون اجراءات جزایی افغانستان** هم در مرحله تحقیق و هم در مرحله محاکمه برای متهم شناسایی شده است. ماده ۱۱ قانون اجراءات جزایی افغانستان در این مورد مقرر می‌دارد: «(۱) پولیس، سارنوالی و محکمه مکلف اند برای مجنی‌علیه، مظنون یا متهمی که زبان مورد استفاده در اجراءات تعقیب عدلی را نداند... زمینه حضور ترجمان را میسر سازند...».

# منابع و مأخذ



1. علامه، غلام حیدر، اصول راهبردی حقوق کیفری، انتشارات کتاب همگان، تابستان ۱۳۸۹.
2. علامه، غلام حیدر، حقوق جزای عمومی افغانستان، انتشارات دانشگاه ابن سینا، بهار ۱۳۹۳.
3. علامه، غلام حیدر، اصول محاکمات جزایی افغانستان، انتشارات دانشگاه ابن سینا، زمستان ۱۳۹۴.
4. رحیمی نژاد، اسمعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۷.
5. رسولی، محمد اشرف، محاکمه عادلانه، انتشارات سعید، بهار ۱۳۹۳.
6. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.
7. جعفر لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲.
8. فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه (محاکمات کیفری بین المللی)، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
9. اردبیلی، محمد علی؛ «شکنجه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹ بهار - تابستان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
10. اردبیلی، محمد علی، تحت نظر، علوم جنایی، (مجموعه مقالات)، اثر، تهران، سمت، سال ۱۳۸۳.
11. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ ۱۸، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.